



۱۹

# سوسیالیسم امروز

۱۴ اکتبر ۲۰۱۷ - ۲۲ مهر ۱۳۹۶

S\_zijji@yahoo.se

سرپرست: سلام زیجی

## چرا رژیم اسلامی هنوز سر کار است و چگونه میتوانیم سرنگونش کنیم؟

صفحه ۶

## وقتی کارگران خیابانهای فرانسه را به لرزه در میاورند

صفحه ۸

## بده بستانهای توهم و تفکر دینی و خسارت‌های ناشی از آن

صفحه ۱۰

## عقب ماندگی کشورهای جهان سوم و مسئله زن

صفحه ۱۱

از دیگر رسانه ها:

## بازتولید و تشدید نابرابری‌های اجتماعی در نظام آموزشی

صفحه ۱۰

## شروع یک نبرد طبقه‌ای واقعی حول تعیین حداقل دستمزد سال ۹۷

سلام زیجی

دو هفته است کمپین "زود هنگام" رسمی دولت ضد کارگری "اعتدال" علیه طبقه کارگر و تحمیل و سازماندهی مجدد یک جنایت بزرگ تاریخی دیگر تحت عنوان "حداقل دستمزد سال ۹۷" شروع شده است. تعرضی که هدف آن زمینه سازی در جهت تدارک ملزومات عبور از وجود اعتراضات گسترده کارگری، فرصت یابی برای سازماندهی انواع شگردها در جهت دفع مقاومت و مبارزات جاری و کنترل و مهندسی کردن آن، و سرانجام تامین بی دردسر دوباره منفعت سرمایه داران ایرانی و سرمایه گذاران جهانی بعد از "نتایج برجام"، که نیازمند وجود ده‌ها میلیون نیروی کار به مراتب ارزانتر "برندگان مدرن" و فاقد سازمان و تشکل مستقل در ایران است، از جمله اهداف محوری شروع چنین کمپین و پروژه تعیین حداقل دستمزد سال ۹۷ و تعرض مجدد دولت و بورژوازی ایران علیه طبقه کارگر است.

شورایعالی کار یک ارگان ضد کارگری و فرمایشی

طبق ماده فریبنده ۴۱ قانون کار ضد کارگری می بایست ارگان سازمانیافته دست دولت و کارفرمایان به اسم "شورای عالی کار" وارد بحث حداقل دستمزدها میشدند و بازار این داستان دروغین "مذاکره سه جانبه نگری" را بخورد جامعه بدهند.

صفحه ۲

**کارگران جهان متحد شوید!**

## شروع یک نبرد طبقاتی...



بوده و در راه سیاست همواره ضد کارگری "اقتصاد ملی"، همان "اقتصاد مقاومتی"، همراه شوند! می گویند: "اگر به فرمایشهای مقام معظم رهبری در زمینه اقتصاد مقاومتی درست توجه میشد امروز دچار این مشکلات نمیشدیم". اما معلوم نیست اینها چرا دچار مشکلات شده اند؟ کدام مشکلات؟ مشکل واقعی اینها

همان کارگر معترض و حق طلبی است که نان سفره اش را گرفته اند و میخواهند همین سیاست و موقعیت را به کارگران تحمیل کنند تا "بهشت" و ثروت اندوزی و "اختلاس" بیشتری را نسب خود نمایند. هیچ راهی جز مقابله قاطع با این رژیم وحشی و دزد و سرکوبگر و هیولای سرمایه داری و اسلامی پیش روی طبقه کارگر قرار ندارد!

### همه جناهای رژیم و بورژوازی در سرکوب و استثمار طبقه کارگر متحد هستند

جناح مقابل و مکمل ارتجاع حاکم در دولت "اعتدال" هم از رشد اقتصادی بعد از "برجام" (اما وقتی بحث بر سر دستمزد است این "رشد اقتصادی" معلوم نیست در افزایش دستمزد کارگر چرا نقش مثبتی ندارد و نتیجه معکوس دارد!) و روی آوری سرمایه های خارجی و کاهش تورم صحبت میکنند. اما میگویند در داخل کشور چون مقاومت هست زمان می برد، تهدیدات خارجی هست، هنوز دوران معایب و عوارض محاصره اقتصادی تمام نشده، صنایع کهنه از دور خارج میشود و باید صنایع جدید تر جایگزین نمود. از اینرو کارفرمایان و دولت توان پرداخت دستمزد بالا ندارند. نتیجه: اینکه بودجه دستگاه سرکوب و جنگ تروریستی و کشتن مردم بی دفاع در چند کشور برایمان هزینه دارد پدیده جدا است!؛ ضروری است و اتفاقا کارگر باید کاری کند با گرفتن دستمزد کمتر نان این جنایتکاران را نیز بپردازند! به کارگران میگویند شما را دوست داریم! و شما را هم درک میکنیم حتی وقتی با باتوم و تازیانه بر کله و پشتتان می کوبیم! اما مصلحت مملکت و نظام باز هم نیازمند قبول زندگی بردگی و سفره خالی شما است. هر دو جریان مرتجع و فاسد و سرمایه دار مسلمان خدا پرست و دزد و بی شرف، کارگران را با دو استدلال ظاهرا متفاوت احقانه میخواهند در رقابت پوچ خود دنبال خود سیاه بفرستند و در صفوفشان سر درگمی و اختلاف ایجاد کنند تا هدف همه شان تامین گردد. نه تنها روی آوری سرمایه داران خارجی که ماحصل برجام از راه تحمیل ریاضت کشتی بیشتر به کارگر را عملی نمایند، که کل هزینه جنگ و آخوند و بسیج و سپاه و ارتش و مزدورانشان را در کنار حربه "اقتصاد مقاومتی" و کار مفت کردن برای دشمنان طبقاتی و سرکوبگران، و با دزدیدن زورگویانه عمل کردنها، حق و حقوق دهها میلیون کارگر و کودکان کارگران را به گروه گرفته و به نفع ارتجاع بورژوا- اسلامی به سرانجام وحشیانه خود برسانند.

البته این نهاد ضد کارگری از ۱۸ و ۱۹ مهر عملا وارد این دودوزه بازی شدند. و در جلسه اخیر "شورای عالی کار" سه کمیته "دستمزد"، "روابط کار" و "تغییر ساختار" را برای نخستین بار تشکیل داده اند تا شرایط را بر روند مبارزه برای تعیین ساده ترین شکل حداقل دستمزد کارگران را به مراتب پیچیده تر و در جهت تحقق همان اهداف نامبرده دولت و کارفرمایان بطور "علمی" (کلاهبرداری) به نتیجه برسانند. اما شایان توجه است که حتی بسیار قبل از شروع به کار رسمی نهاد فرمایشی "شورای عالی کار" جناب وزیر کار امنیتی رژیم و مشخصا نوبخت سخنگوی دولت "اعتدال" در روز ۱۱ مهر ۹۶ عملا سطح دستمزد کارگران را از مجرای اعلام افزایش حقوق کارکنان، تعیین و ابلاغ نمودند. نوبخت میگوید: "طبق بخشنامه بودجه سال ۹۷، حقوق کارکنان دولت در سال آینده، ۱۰ درصد افزایش می یابد، اما پنج درصد افزایش حقوق در قالب بودجه وزارتخانه ها و دستگاهها از سوی دولت تامین می شود و "دستگاهها باید پنج درصد مابقی را از محل بودجهریزی بر مبنای عملکرد و صرفه جویی هایی که حاصل می شود، تامین کنند".

بدین ترتیب نه تنها نمایی بودن نهاد شورای عالی کار و دروغ بزرگ مبتنی بر اینکه گویا این نهاد محل تصمیم گیری مشترک "کارگر و کارفرما و دولت" است، بیش از هر زمانی پوچی آن بر ملا میگردد، که حتی ۵ تا ۶ ماه قبل از رسیدن به زمان "تصمیم" در باره میزان حداقل دستمزد کارگران از هم اکنون در جامعه ای که خود نهادهای دولتی از ۳ تا ۴ میلیون تومان به عنوان خط فقر گزارش میدهند، اما دولتشان بدون توصل به همان شورای عالی کار کذایی، و بقول خودشان "زود هنگام" از سطح "افزایش" دستمزد ۱۰ درصدی، یعنی از ۹۳۰ هزار تومان کنونی به یک میلیون و اندی تومان، بر اساس "نرخ تورم" اعلام شده "دولت و بانک مرکزی" با خیر می شویم! طوری که حتی صدای برخی از اعضای شورای قلابی عالی کار و خانه کارگرها را نیز نسبت به تصمیم دولتشان در آورده است.

### "سرمایه گذاران خارجی" و "اقتصاد مقاومتی" هردو علیه کارگر!

نکات قابل توجه دیگری که بورژواها و دولت اسلامی امسال نیز دوباره در میحث دستمزد کارگران طرح می کنند طرح مجدد "اقتصاد مقاومتی خامنه ای" جلا و بحث "برجام" و روی آوری "سرمایه گذاران جهانی" است، که هر بخشی از جناح بندیهای رژیم بطور عوامفریبانه به بحث چگونگی دستمزد کارگران کشانیده اند تا مهر خود را بر تداوم تحمیل فقر بیشتر و دستمزد کمتر بکوبند. "مخالفین برجام" درون رژیم می گویند: "در حال حاضر نزدیک به ۲۵ درصد از صنایع ما تعطیل هستند و ۲۵ درصد دیگر نیز زیر ۵۰ درصد ظرفیت خود فعالیت می کنند و با این شرایطی که قیمت تمام شده به علت استفاده نکردن از ظرفیتها بالاست، تقاضا نیز به میزان کافی وجود ندارد و طبیعتا قدرت افزایش دستمزد هم کم خواهد بود و افزایش دستمزد به میزان تورم هم جای شک دارد". میخواهند بگویند برجام ضرر زده و کارگران قبول کنند که نمی توانیم دستمزدها را بالا بکشیم. راه حل چیست؟ به تولید "ملی" و "خود کفا" و با پذیرفتن نرم معمولی مرگ و میر و گرسنگی کارگر و همزمان مفت خوری و کثافت کاری و دزدی آخوند و سرمایه داران رضایت داده شود! کارگران را فراخوانند به "فرمایشات امام" متکی باشند، به شرایط بسیار اسفناک اقتصادی خود راضی

تماس با حزب سوسیالیست انقلابی

Iransocialist2017@gmail.com

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## شروع یک نبرد طبقاتی...

## اعتراضات گسترده کارگری، تعرضات گسترده تر دولت و سرمایه داران

سالی که هنوز در نصف راه آن قرار گرفته ایم در کنار گسترش وسیع مبارزات کارگری، سال گسترده ترین تعرضات دولت و سرمایه داران به طبقه کارگر هم هست. درست در دوره ای طبقه کارگر سرگرم خاکسپاری فعالینش است که عامل اصلی مرگ آن رژیم بوده، در دوره که فعالین دیگری هم اکنون در آستانه مرگ در زندانهای این رژیم وحشی بسر میبرند و تبییه میشوند، در دوره ای که شروع به تعقیب و فراخواندن و دستگیری تعداد دیگری در چندین شهر کرده اند، در دوره ای که وحشیانه ترین تعرض و سرکوب خونین علیه اعتراض کارگری سازمان داده میشود، در دوره ای که بیشترین تعرض اقتصادی به زندگی و معیشت کارگران صورت می گیرد، در دوره ای که بیشماران به صف بیکاران بدون کمترین امکانات اقتصادی پیوسته اند و بیشماران دیگر زندگیشان به نابودی و قهقرا برده اند و وووو یکبار دیگر بزرگترین نبرد واقعی و طبقاتی سازمان یافته تحت عنوان "تعیین حداقل دستمزد سال ۹۷" علیه طبقه کارگر ایران استوارده است. شروع این نبرد آنطوری که خود دست اندر کاران شورایی عالی کار و خانه کارگریها میگویند حتی نسبت به سالیان پیش تر و بدون نادیده گرفتن شورایی عالی کدایی ضد کارگری شان نیز صورت گرفته است. در هر صورت یک جدال و کشمکش جدی ۵-۶ ماهه بر سر تعیین حداقل دستمزد، هم برای طبقه ما و هم دولت و کارفرما پیش روی خود داریم. سر انجام نهانی این نبرد طبقاتی برای آینده هر دو طرف، حداقل برای یکسال آینده، بسیار تعیین کننده خواهد بود. بسیار ضروری است که جنبش ما با آمادگی و اتحاد و استقامت و افق و مطالب روشن به استقبال این نبرد برود.

## مبارزه اقتصادی رکن مهم مبارزه طبقاتی جنبش ما است

بر عکس برخی تصورات مبارزه اقتصادی طبقه کارگر، بطور مشخص مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد، یک رکن مهم مبارزه اقتصادی طبقه و مجرای برای رشد آگاهی و اتحاد طبقاتی و تغییر تناسب قوای نابرابر کنونی است. "مبارزه اقتصادی" که با دید محدود صرف صنفی، سندیکالیستی و اصلاح طلبانه زیستن در بطن همین نظام ضد انسانی به آن برخورد میشود بسیار متفاوت تر است از مبارزه اقتصادی که هدفش خلعید از نظام سرمایه داری و پایان دادن به کار بردگی مزدی است. این دو، مسیر کارگر را به سوی دو آینده متفاوت سوق خواهد داد. روشن است که تاکید من به عنوان یک سوسیالیست ضد سرمایه داری بر ضرورت مبارزه اقتصادی با هدف سازماندهی مبارزه جدی علیه تعرض بورژوازی و تغییر تناسب قوا به نفع کارگر در جهت تامین پیشروی جنبش و مبارزه سوسیالیستی ضد سرمایه داری و در نهایت برای کسب قدرت سیاسی است!

این امر یک موضوع فوق العاده مهم جنبش طبقه کارگر است. در ایران به حکم نظام اقتصادی و سیاسی بورژوازی حاکم به هیچ وجه در چهارچوب صرف "مبارزه اقتصادی" نیز نتوانسته و نمی توان باقی بماند. مسئله بر سر زندگی و سرنوشت و مرگ و میر و ویران شدن هر روزه هزاران و دهها هزار کارگر و خانواده و فرزندان آنها است، که دقیقاً شبیه پدیده اعدام در پوشش "مذاکره" سه جانبه نگری "قانونا" به کارگر و جامعه تحمیل میکنند. یعنی در واقع به

این شکل قانونی بخشی از طبقه را میکشند و به اعتیاد و تن فروشی و کارتن خوابی محکومشان میکنند. مسئله بر سر سرنوشت زحمتکش ترین و شریفترین انسانهای جامعه و نسلی است که واقعا به سوی نابودی و خودکشی و استیصال شان می کشانند تا دولت و سرمایه داران بیشترف حاکم بر ایران به حاکمیتشان، و سرکوب و بقایشان، و تداوم "اختلاس" های بیشتر مقامات و خدا پرستانشان ادامه دهند.

مسئله بر سر مبارزه ای است که حتی برای گرفتن حقوق معوقه چندین ماهه خود با باتوم و زندان و تحقیر و گله مسلح اسلامی روبرو بوده و خواهیم بود. بنظر من فقط شکم سیرهای فاقد وجدان و اوباش حاکم بر کشور میتوانند درک نکنند که سرنوشت و حقوق و دستمزد دهها میلیون کارگر و زندگی فرزندان و خانواده آنها برای سال آینده، سال ۹۷، چرا جزو اولین و مهمترین موضوع جامعه است. چگونه باید این نبرد طوری رقم بخورد که حداقل زندگی انسانی دهها میلیون کارگر و کارکن تامین گردد؟

به هر درجه ای زندگی اقتصادی کارگر بهبود پیدا کند مبارزه و آینده او به مراتب در موقعیت مساعد تری قرار خواهد گرفت. و دقیقاً به همین دلیل هم هست که جمهوری اسلامی در طول عمل ننگینش تلاش نموده کارگر را همواره در موقعیت گرسنگی، فقر و بیکاری و تشدد و پراکندگی بیشتر نگهدارد.

## چگونه باید عمل نمود؟

اما سوال محوری تر در مقابل ما این است که طبقه ما در این نبرد چگونه عمل خواهد کرد، به ویژه وظایف جنبش سوسیالیستی طبقه و رهبران پیشرو آن در این برهه چیست؟ در شماره های بعدی نشریه سوسیالیسم امروز به این بحث مهم دوباره بر میگردیم. آیا باز هم بیانییه داندنهای خشک و خالی در روزهای پایانی کار از طرف چند نهاد و تشکل کارگری ما را به هدفمان میرساند؟ آیا باز هم طومار نویسی و درخواست از این و آن مقام دولتی؟، آیا باز هم توصل به این و آن ماده از قانون ضد کارگری جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدف خود؟ آیا باز هم پراکندگی و تشدد و رضایت دادن به چند حرکت کوچک و متفرقه؟ آیا باز هم فرقه گرایی و هر جمعی به فکر مبارزه صنف خود بودن؟ آیا باز هم غیبت بخش عمده ای از طبقه ما در مراکز مهم کلیدی در چنین نبردی که کل طبقه را هدف گرفته است؟ باز هم میدان داری خانه کارگر و شورای اسلامی و انجمن صنفی ها؟ ووو یا نه، خروج نیروی عظیمی که تمام هستی جامعه را می سازد اما خود گرسنه مانده است؟ برآستی ما در ایران چه چیز بیشتری از آنچه که تاکنون از دست داده ایم ممکن است با میدان آمدنمان برآیمان پرهزینه تر تمام گردد؟ بر عکس! این پراکندگی و سکوت و تشدد و ضعف و گرسنگی و بی تشکلی و بی حزبی در کنار خرافات دینی و ملی که متأسفانه در صف جنبشمان هست باعث گردیده است که همواره برای جنبش ما به مراتب پرهزینه تر و برای ارتجاع همراه با سود بری و آرامش بیشتر و تداوم حاکمیت ننگینشان تمام گردد.

اگر طبقه کارگر، رهبران پیشرو آن و جنبش ما، بر بسترو وجود زمینه های مساعد اعتراضی نسبتاً گسترده کنونی علیه فقر و بیکاری و اخراج و ندادن حقوق معوقه و علیه بازداشت فعالین کارگری و غیره نتواند اینبار گام متحد تر و محکمتری بردارد، از هم اکنون و دقیقاً مانند خود دولت و سرمایه داران "زود هنگام" دست بکار نشود، راه های تامین اتحاد و به هم پیوستگی و شعار و مطالبه واحد، و تلاش برای سازمانیابی و تشکل یابی توده ای خود حول این مهم به سر انجام برسانیم و اگر نتوانیم ملزومات اعتراضات گسترده و به ویژه اعتصاب و خواباندن چرخ تولید را به هدف تحمیل مطالبات خود به سر انجام برسانیم، سال ۹۷ میتواند به یکسال به مراتب درد آورتر برای جنبش طبقه کارگر ایران باشد.

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

## شروع یک نبرد طبقاتی...

اینها را شاخص پایه برای تعیین مزد کارگر قرار داده اند: "نان و شکر و گوشت و مرغ و برنج و چای و پنیر و نخود و لوبیا و ماست... یک اتاق ۱۲ متری؛ پوشاک شامل دو دست لباس و دو پیراهن و چهار جفت جوراب و یک جفت کفش و یک جفت گیوه و یک کلاه و ... لوازم متفرقه".

توجه کنید! این معیار و شاخصها انعکاسی از همان تصویر ضد انسانی و بردگی از کارگر است. به شدت عقب مانده، نازل و قرون وسطایی و ویژه دوران برده داری است. سؤال این است آنهایی که چنین معیاری را برای کارگر به عنوان تعیین حداقل مزد ارائه داده اند، حاضرند خودشان یک روز با چنین استانداردی در اتاق ۱۲ متری و با یک جفت کفش در سال و.. زندگی کنند؟ آیا این عین بیرون راندن کارگر از محور شهروندی و انسان محسوب کردن نیست؟

توجه داشته باشید کلیدی ترین هزینه ها که باید برای هر انسانی تامین گردد قانوناً از دستور زندگی کارگر خارج و ممنوع کرده اند. نه بهداشت، نه تحصیل خانواده و فرزندان کارگران، نه بیمه های اجتماعی، نه نان روی سفر، نه داشتن ماشین، نه تلویزیون، نه یخچال، نه برخورداری از مسکن مناسب، نه تامین هزینه دوران مرخصی، نه حق تفریح، نه حتی به حساب آوردن پدر و مادر بزرگ ها که بخش زیادی از کارگران هم از نظر مسکن و هم هزینه ها سرپرستی آنها را تقبل میکنند در این معیارهای ضد انسانی دولت و سرمایه داران مطلقاً به حساب نیامده است.



## حداقل دستمزد ۴ میلیون تومان خط فقر

## مطالبه و معیارها و شاخصهای حداقلی کارگری

از نگاه یک کارگر کمونیست و سوسیالیست، از زوایه منافع طبقه کارگر، و بر مبنای واقعیت امروز جامعه و ثروت انبوه که دولت و سرمایه داران تصاحب کرده و در اختیار دارند، این سیاست ها را باید با اتحاد و قاطعیت و روشنی حول افزایش دستمزد سال پیشارو در پیش گرفت، و مبنای اولیه هر نوع تصمیم گیری و بررسی دقیق هر مورد معینی از سوی فعالین دست اندر کار در کل کشور و مراکز مختلف کارگری باشد:

۱- برسمیت شناسی حق برابری شهروندی برای کارگر: شاخص و مبنای اولیه برای افزایش دستمزد کارگر، به رسمیت شناختن کارگر به عنوان شهروند برابر جامعه است نه نگاه بردگی به او! اینک سازندگان همین جامعه حق برخورداری کامل از تمامی نیازمندیهای انسانی و برخورداری از دستمزدی در شان انسان و تامین کننده خانواده کارگری میباشند شاخص انسانی ما است، آیا مقامات مفت خور ریز و درشت دولتی و مجلسی ها که هر کدام حداقل به اندازه ۲۰ کارگر در ماه حقوق باد آورده ناشی از رنج خود کارگران را می بلعند بر اساس نرخ تورم من در آورده دولت و بانک مرکزی حقوق گرفته و می گیرند؟؟ مینا این حق ها و از جمله سطح دستمزد نباید حداقل از سطح استانداردهای جامعه جهانی، از جمله استاندارد مزد پایه کارگران

طبقه کارگر ایران اگر به هیاهوی چپ پوپولیست و جنجالهای هر روزه "سرنگونی" آنها توجه کنند، و اگر به توهم پراکنی بخش از آنها حول کشمکش جناحهای رژیم گوش فرا بدهند، اگر به سیاست مستقل کارگری و سوسیالیستی و انقلابی خود متکی نباشند از سازماندهی یک مبارزه واقعی طبقاتی و زمینی و تامین صف آرائی طبقاتی و سوسیالیستی خود علیه دولت و سرمایه داران باز خواهند ماند!

شروع مبارزه متحد حول خواست واحد افزایش دستمزد حلقه کلیدی است که میتواند همه مراکز کوچک و بزرگ را به هم متصل و دریچه سازماندهی یک مبارزه متحد کارگری و طبقاتی علیه رژیم و سرمایه داران را به یک امر واقع تبدیل نماید. این تنها راه ممکن برای عقب راندن تعرض اقتصادی و امنیتی بیشتر جمهوری اسلامی و کارفرمایان به جنبش ما می باشد. از موضع کاملاً حق بجانب و به عنوان صاحب اصلی کل جامعه و محق تر و نیصلاح تر از هر قشر و طبقه و فرد دیگری مدعی دریافت مزد قابل قبول و مکفی برای خود باید شد. با این آمادگی به مبارزه ای سازمانیافته برای افزایش دستمزد ها در سال جاری میتوان رفت.

تمام جامعه باید بداند که اینچنین یورش به کارگر و قراردادن طبقه کارگر در چنین موقعیتی دشوار زندگی همواره منشاء و جاده صاف کنی برای دولت و سرمایه داران بوده که تمام نابرابریها و سرکوب آزادیها و حقوق اولیه شهروندی برای همه آحاد جامعه از جمله زنان، جوانان، روزنامه نگاران و سایر اقشار را هموار کند. کارگری که با این تصویر بردگی و تحمیل چنین ذلتی روبرو است، همزمان حق تشکیل خود برای دفاع از خود ندارد، حق اعتصاب ندارد، حق پس گرفتن دستمزدهای معوقه خود را ندارد، حق ورود به سیاست و عضویت در احزاب کمونیستی و سوسیالیستی و کارگری خود را ندارد، اگر فراتر از یک برده نقش بازی کند، به سیستم اعتراض کند، زندانی میشود، تنبیه میشود و به گلوله بسته میشود، آیا گرفتن حق کامل شهروندی از کارگر و محکوم کردن آنها به نابودی و تحمیل موقعیت برده از سوی دولت و کارفرما اسم دیگری میتواند روی آن گذاشت؟ مسیر مبارزه برای افزایش دستمزد نیز دقیقاً از عدم تحمل این موقعیت میگذرد نه از راه نامه نگاری، عجز و لایه و مذاکرات خفت بار با مقامات و اتکا به قوانین دولتی و همراه شدن با نهادهای قانونی- "کارگری" که خود عامل تحمیل چنین موقعیتی به کارگران هستند.

## معیارها و شاخصهای تعیین حداقل دستمزد دولت و سرمایه داران را نمی پذیریم!

دولت و نهادهای "کارگری" وابسته به سرمایه داران و کارفرماها همواره

شروع یک نبرد طبقاتی...  
→

در اروپا پائین تر باشد چرا که ثروت عظیم که در ایران انباشت شده و وجود دارد چند برابر ثروت بخش زیادی از کشورهای خاورمیانه و حتی اروپا می باشد، اما یک اقلیت مفت خور با زور آنرا تصاحب کرده اند.

## ۲- معیارهای دولت و بانک



**مرکزی قبول نیست:** شاخصهایی که در قوانین رژیم آمده و همچنین آمارهای که بانک مرکزی اعلام میکند را نباید قبول کرد. کارگران و رهبران هستند که باید لیست ها و آمارها و شاخصهایی خود را تهیه کنند، از خوراک و پوشاک تا مسکن تا حق داشتن ماشین و هزینه درمان و بهداشت و مدارس بچه و... مانند هر انسان دیگری که "نماینده مجلس" است، "کارمند دولت" است، "سر لشکر" است و... رقم مناسبی که یک خانواده ۴ تا ۵ نفره را تامین میکند را درمقابل دولت قرار دهند.

۳- **حداقل دستمزد چهار میلیون تومان:** اولین ارزیابی و حساب و کتاب بر مبنای گرانی ها و تورم ها تا این لحظه میگوید کارگران ایران از هم اکنون و با شروع سال ۹۷ نباید از سه و نیم تا چهار میلیون تومان کمتر حقوق پایه بگیرند، زیرا این خط فقر بررسی شده در کشور است. طبعا کاردر شرایط سخت و ویژه حتما باید بالاتر از این رقم باشد. با هر درصدی از بالا رفتن تورم و گرانتز شدن مواد غذایی، مسکن، بهداشت و تحصیل... مزد پایه نیز بلا درنگ و هر چند ماه یکبار باید افزایش پیدا کند.

۴- **طرد نهادهای دولتی:** نه شورای عالی کار نه انجمنهای صنفی و نه خانه کارگر و دیگر نهادهای وابسته به دولت را نباید به هیچ وجه به عنوان مرجع ذیصلاح برای تعیین سطح دستمزد کارگر قبول کرد. هر توافقی از طرف اینها را باید علنا مردود اعلام کرد. مذاکره سه جانبه را به عنوان طرفند سرمایه داران باید رد کرد. دولت و کارفرما یکطرف قرار دارند و کارگران و نمایندگان یکطرف دیگر.

۵- **ضرورت تشکل و رهبری واحد کارگری:** تنها مرجع ذیصلاح نمایندگان منتخب کارگری هستند. تعیین حداقل دستمزد کارگران تنها در اختیار و صلاحیت نمایندگان مستقیم و منتخب کارگران در مراکز مختلف کار است. خیلی مهم است که اکنون در مراکزهای مهم کارگران با برگزاری مجمع عمومی خود نمایندگانی را برای مذاکره حول مطالبه متحد خود تعیین و علنا اعلام گردد که اینها نمایندگان واقعی کارگران هستند، و تا آخر هم پشتشان را میگیرند. فعالین و نهادهای مستقل کنونی میتوانند فراتر از محدوده نهادی خود و از زاویه منفعت کل طبقه نقش مثبتی در به نتیجه رساندن این امر مهم ایفا کنند. اعلام شورا یا کمیته یا... سراسری و واقعی و متکی به انتخابات در میان هزاران و دهها هزار کارگر در مراکز مختلف و مورد حمایت چند مراکز بزرگ و کوچک و مهم کارگری به عنوان طرف حساب اصلی مذاکره بر سر حداقل دستمزد سال ۹۷ اقدام بسیار مهم، ضروری، و متحد کننده جنبش ما در ایران است.

۶- **اتحاد و مطالبات واحد:** کمتر موضوعی مانند اقدام مشترک برای افزایش حداقل دستمزد میتواند منجر به صف متحد و بسیار گسترده کارگری از مراکز کوچک تا بزرگ باشد، یک رهبر دلسوز و مبتکر کارگری و سوسیالیستی نباید از این موقعیت استفاده نکند و دست بکار نشود! افزایش دستمزد، خواست پایان دادن به سرکوب و فضای امنیتی و کسب اوباش مسلح به مراکز کار، خواست آزادی فوری فعالین کارگری، خواست پایان دادن به احضاریهها، خواست اعلام جرم علیه کارفرمایانی که حقوق معوقه کارگران را نمیدهند، خواست برابری زن و مرد و برابری حقوق آنها، خواست کار یا بیمه بیکاری برای همه افراد آماده بکار، و بلاخر خواست بر حق ایجاد تشکل مستقل از دولت و حق اعتصاب و اعتراض کارگری از جمله مطالبات پایه جنبش ما در این دوره است که چون زنجیری به اصل مبارزه متحد ما برای افزایش دستمزد در هم تنیده هستند.

۷- **اتحاد کارگران شاغل و بیکار:** یک رکن مهم مبارزه ما تامین اتحاد مبارزاتی و طبقاتی کارگر شاغل و بیکار شده هست. تحمیل مطالبات کارگری، از جمله کسب حداقل دستمزد مورد نیاز کارگران در گروه اتحاد و همبستگی کلیه کارگران بیکار و شاغل نیز میباشد.

---۸

همه همقطاران سوسیالیست و هم جنبشی های خود را به سنگر بندی جدی و ایجاد صف واحد کارگری، ایجاد تشکل و نهاد سراسری برای تحمیل مذاکره و طرف حساب دولت بودند حول حداقل دستمزد سال ۹۷، و اعلام مطالبات کلیدی و واحد، آماده شدن برای مقابله با یورش دولت و سرمایه داران فرا میخوانم.

به ویژه رهبران کمونیست و سوسیالیست طبقه را خطاب قرار می دهم که رفقا این وظیفه مهم و تاریخی شما است که دست کل طبقه را در دست هم قرار دهید و صدای رسا و قدرتمند و محکم کارگری را علیه تعرضات و خرافات بیشمار ارتجاع حاکم اسلامی رهبری و هدایت کنید. حزب سوسیالیست انقلابی و شخصا نیز با تمام وجود و قلبا در لحظه به لحظه این نبرد خود را در کنار شما می بینیم.

پیش بسوی کسب حداقل حق و حقوق خود!

زنده باد اتحاد طبقاتی کارگران!

زنده باد سوسیالیسم!

**بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!**

## چرا رژیم اسلامی هنوز سر کار است و چگونه میتوانیم سرنگونش کنیم؟

ابراهیم باتمانی



چپ در شهر و جنگلهای آمل، اما جمهوری اسلامی سرکوبشان کرد. در این برهه از تاریخ بود که جنگ ایران و عراق به

عنوان بزرگترین "نعمت" و کمک به جمهوری اسلامی صورت گرفت که رژیم در سایه و به بهانه آن توانست موقعیت خود را تحکیم کند و سرکوبش را گسترش دهد. به همین خاطر بود که سران جمهوری اسلامی و شخص خمینی پا فشاری میکردند روی ادامه جنگ. یادم است خمینی جلاد در تلویزیون گفت جنگ نعمت خداست.

اعدامهای ۶۰ و ۶۷ و گورستان خاوران و اعدامهای بدون محاکمه گورستانهای بدون نام و نشان، گورستانهای به اسم نعلت اباد، تجاوز به دختران باکره به وسیله شکنجه گران و اوبشان بازجو قبل از اینکه اعدام بشوند، و درست کردند سازمان دادن نیروی سرکوبگر مثل سپاه پاسداران، درست کردن گله حزب الله و گروه حراست و خواهران زینب و سربازان گمنام و نهی از منکر و لباس شخصیها و نیروی انتظامی و بسیجی فعال و نیمه فعال و سازمان دادن اسید پاشیها به صورت زنان و اعدام کردن در ملا عام، دست قطع کردن و چشم در آوردنها، جوانان را به طرف اعتیاد بردن و غیره اینها، در کنار مجموعه عوامل دیگر، موانع های بوده که کمک کرده جمهوری اسلامی به حیاط ننگین خودش ادامه دهد. اما با تمام آن

موانعهای باز دارنده که اشاره کردم این حکومت نتوانسته حکومت شرعی و دینی و فرهنگ قرون وسطی که مورد نظر حاکمان جنایتکار دزد و فاسد است تثبیت کند و به فرهنگ اکثریت جامعه تبدیل نماید و نخواهد توانست. هر چند متأسفانه بخشی از جامعه را مرعوب و تعدادی هم با خود رژیم هم کاسه شده اند که این فاکتور هم به بقای تا کنونی رژیم کمک نموده است.

در رابطه با مواضع و ارزیابیهای متفاوت در باره علل بقای رژیم و همچنین خود اپوزیسیون در چه موقعیتی قرار دارد، به عنوان بخش دیگری از عامل بقای رژیم که در بالا اشاره کردم، بیان نکاتی را لازم می دانم. از جریانات چپ و کمونیست شروع کنم. یک نظر میگویم دلیل ماندن جمهوری اسلامی انشعابهایی صورت گرفته در احزاب بوده است. یکی میگویم دلیل آن در خارج نشینی بودن اپوزیسیون است. یکی میگویم امکانات مادی نداریم. دیدگاهی دیگر امید بسته به اختلافات درون جناحهای رژیم. جریان دیگری هم هست هر حرکتی که میشود میگوید انقلاب است. جریاناتی هم هستند امید به

آورده بودند یکی از اقدامات فوری آنان بود. سرکوب کارگران و فراری دادن مخالفین و ایجاد رعب وحشت در کنار دروغ گفتن و پاپوش دوزی و برچسب زدن به مخالفین حربه های برای تداوم سرکوب و تحمیل قدرت شد، با کمک همان نیروهای مسلح باقی مانده از شاه که با کمک امریکا حاضر و آماده در اختیار خمینی گذاشته شد. بهانه های سرکوب و اعدام زیاد بودند، برای نمونه شما بازماندگان تاغوت هستید، یا جاسوس اسرائیل و امریکا، یا دشمنی کردن با خدا و رسول خدا و کافر بودن، یا اینکه به سرکوب مقاومتی که از همه جا علیه قوانین مذهبی شروع شده بود، از جمله از جانب زنان، روی آورد. با به دست گرفتن این ابزارها برای تسلط حکومت دینی و قانون و شریعتش استفاده کرد. خودشان به خوبی دریافته بودند توقع وخواست مردم آزادیخواه ایران و به خصوص کارگران شرکت نفت و شرکتهای صنعتی و دانشجویان و زنان با حکومت اسلامی بر آورده نمیشود و حکومت الله ایشان وصله ناجوری است با جامعه ایران.

در آن زمان مردم کوردستان به خصوص کمونیستها و روشنفکران و آزادیخواهان و برابری طلبان و ضد مالکین و ضد مرتجعین و همه در یک تشکیلات جمع شدند به اسم کومله و با جدیت و قاطعیت دست به اسلحه بردند و در مقابل جمهوری اسلامی ایستادند. در جاهای دیگر نیز این مقاومت شروع شد مثل ترکمن صحرا و سازمانهای چپ بعد از ۳۸ سال جمهوری اسلامی هنوز سر کار است؟ این بزرگترین و ضروری ترین سوالی است که روی میز احزاب سیاسی و اپوزیسیون سرنگونی طلب و طبقه کارگر ایران و کمونیستها و جریانات چپ و راست و اپوزیسیون بورژوازی و اکثریت مردم که از جمهوری اسلامی نا راضی اند و جانشان به لبشان رسیده میباشد؟ در پاسخها به آن دیدگاهها و موضعگیریهای متفاوتی وجود دارد و تلاش میکنم به اختصار به آنها به پردازم.

از روز اول که جمهوری اسلامی سر کار آمد با وعدههای دروغین به مردم و با پشتیبانی و کمک غرب و امریکا خود را به جامعه ایران تحمیل کرد. اما بلاخره بعد از ۴ الی ۵ ماه دروغها و وعدههای عواریبانه که خمینی داد بود بر ضد خودش تبدیل گردید. روند تحولات درست بر عکس شد. جریان اسلامی دست ساخت دولتهای غربی چهره واقعی خودش را به مردم ایران نشان داد. شروع کرد به اعدام کردن و گرفتن انقلابیون و منحل کردن و حمله به احزاب و سازمانها و محافلها و متینکها و سخنرانیها و روزنامه ها و نشریات اپوزیسیون و تظاهرات صدها هزار نفری زنان در تهران که مخالف حجاب اجباری بودند. خلع صلاح مردم که در جریان قیام از پادگانها و اماکن نظامی اسلحه به دست

## چرا رژیم اسلامی...

حمله غرب و امریکا بسته اند. یکی دیگر میگوید سرنگونی نزدیک است و در پیچ بعدی قرار دارد. یکی دیگر هم با اسم و در پوشش کمونیسم در واقع بیشتر با جریانات ناسونالیست نزدیکتر و هم استراتژی شده است. یکی دیگر میگوید سرنگونی نزدیک است و در پیچ بعدی قرار دارد. یکی دیگر هم با اسم و در پوشش کمونیسم در واقع بیشتر با جریانات ناسونالیست نزدیکتر و هم استراتژی شده است.

اپوزیسیون راست و شونیست و ناسونالیست و قوم پرستان چه می گویند؟ اینها امیدشان حمله نظامی امریکا به ایران است. میخواهند به جای اسلام پرچم ضد انسانی دیگر قومی و شونیستی و نظام حکومتی با همین خصوصیات سر کار بیاید. بعضی هایشان هم در فکر "اسلام دمکراتیک" هستند و سینه زنی می کنند برای امام حسین شان در خارج کشور، همزمان با امید بستن به دخالت امثال ترامپ بیشتر اینها امیدشان به تحولات و اصلاح طلبی جناحی درون رژیم نیز هست. امیدشان این است که روزی جمهوری اسلامی یک چراخ سبزی بشان نشان بدهد تا از هم سبقت بگیرند. بخشا آرزو دارند ایران تبدیل شود به سوریه و افغانستان و عراق و یمن تا چیزی نسپب شان گردد، جامعه و مردم هم به درک! اینها

دنبال منافع خود و طبقه شان هستند. ربطی به منفعت و آینده آزاد و خوشبخت اکثریت جامعه که کارگران و زحمت کشان و محرومان ستم دیده هستند، ندارند. اینها خواهان یک سیستم سرمایه داری هستند شبیه جمهوری اسلامی اما با رنگ مذهبی کمتر و با شرکت و سهم ببری خودشان در آن.

ما چه میگوییم، حزب ما و جریان ما ارزیابی روشنی از رژیم اسلامی و چرا هنوز ماندگار مانده است و چه کار باید کرد بدست داده است. ضمن برسمیت شناختن واقعیات نامبرده بر وجود خلا احزاب رزمنده و توده ای و اهل عمل تاکید کرده ایم و خواهان رفع این کمبود محوری هستیم. یکی از تفاوت های دیگر ما این است که ما خصوصیات و سیاست هیچیک از نیروهای چپ و راستی که اشاره کردیم نداریم. به این دلیل به روشنی به نیروی خود و ایجاد صف مستقل کارگری و انقلابی تاکید میکنیم و بر سازماندهی قهر انقلابی علیه رژیم تاکید داریم. با رفع این کمبودها راه پیروزی بر رژیم هموارتر خواهد شد. یکی از علل اصلی بقای تا کنونی رژیم وجود این کمبودها و ضعف ها است.

چه کار کنیم؟ رهبران طبقه کارگر و کمونیستها و پیشروان و نهادهای اجتماعی و معلمان و زنان و جوانان چه کار باید بکنند؟ تا بتوان بقطه پایانی بر این شرایط و تداوم عمر این رژیم ضد انسانی بگذاریم. این را باید دانست که ۱- رژیم جمهوری اسلامی مثل رژیم شاه نیست به سادگی میدان را ترک کند. ۲- ابزارهای سرکوبگری عریان و عوامفریبی و امکانات مالی زیادی در اختیار دارد

۳- چند میلیون نفر، اعم از سرمایه دار، اسلامی و ناسیونالیست و مزدور و عقب مانده هم هستند که در این ۳۸ سال رژیم توانسته منافع شان را با منافع و موجودیت خودش همسو نماید و این طیف در داخل و خارج کشور دوست ندارند رژیم سرنگون شود و از آن دفاع میکنند. ۴- و این رژیم با پول و ثروت باد آورده در ایران در منطقه و چند کشور جریانات مرتجع شبیه خودش را به حمایت خود در آورده و عملا به یک قدرت منطقه ای تروریست تبدیل شده است. ۵- و بلاخره الترناتیو انقلابی و معتبر و قدرتمندی که بخواهد و بتواند چنین رژیمی را سرنگون کند و به جنگش برود متاسفانه ما هنوز نداریم. بنا به این عوامل چنین رژیمی همچنان به حاکمیت تنگین خود در جامعه ای که اکثریت آن چنین نظامی را نمی خواهند قادر به ادامه بقا و حاکمیت خود شده است.

این رژیم با مبارزه پراکنده تاکتونی، یا با اکسیون چند صد نفره در اینجا و آنجا یا با افشاگری صرف از بین نمیرود یا حتی عقب نشینی هم نمیکند. به شما هم سرنوشتان طبقه کارگر، زنان و جوانان که در این عرصه تجربه زیادی دارید و در این مبارزه و عرصه ها تلاش کرده اید و جای احترام و قدردانی است باید گفت این شکل از مبارزه و اعتراض اگر چه لازم است اما دیگر جوابگوی آن هدفی که همه دنبالش هستیم یعنی مرگ و نابودی چنین رژیم جنایتکاری نیست و نخواهد بود، همچنانکه ۳۸ سال گذشته هم این واقعیت را به ثبوت رسانیده است.

از عزیزان که دست اندر کار مبارزه هستند درخواست میکنم به یک مبارزه مشترک، سازمانیافته و گسترده و جدی تر روی بیاوریم. در عرصه جنبش کارگری، جنبش زنان و جوانان باید متشکل و متحد شد و با شعار و مطالبه مترقی و سوسیالیستی به میدان آمد.

## تماس با حزب

۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳  
۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶  
۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰

ما در حزب سوسیالیست انقلابی این واقعیتهای را می بینیم و آن را به جامعه می گویم و خواهان رفع فوری آنها از جمله تبدیل حزب سوسیالیست انقلابی به آن حزب جدی و قدرتمند سرنگونی طلب هستیم. همزمان فکر میکنیم که این رژیم باید با قدرت و اتحاد و آگاهی طبقاتی کارگران و متشکل و متحد شدن آن نیروی عظیم که میتواند در یک هفته کمر رژیم اسلامی را مانند رژیم شاه بشکند، از بین برود. به میدان آمدن و دخالت جدی کمونیستها و ازادخواهان و برابری طلبان و معلمان و فرهنگیان و جوانان و زنان و رهبران نهادهای اجتماعی و انسانیهای شرافتمند و مسئول در قبال بچه ها و نسل کنونی و آینده بسیار تعیین کننده است که روند سرنگونی جمهوری

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

## وقتی کارگران خیابانهای فرانسه را به لرزه در میاورند (در حاشیه اعتصابات اخیر کارگران و کارکنان این کشور)

عزیز آجیکند



شهر پاریس برگزار شد.

امروز ماکرون جوان و کم تجربه یکی دیگر از منفورترین رؤسای جمهور تاریخ فرانسه بعد از اولاند، نبض امور از دستش در رفته و اصلاً معلوم نیست که چه می کند. ماکرون در الیزه سنگر گرفته و نخست وزیر او هم در دفتر کارش، سخت روی اصلاحات جدید قانون کار، پافشاری می کند. خیلی ها امیدوار بودند که بعد از اولاند، ماکرون رئیس جمهور جوان این کشور بتواند دستی روی اوضاع بکشد و حداقل ترکش های بحران مالی اروپا را دفع کند اما ماجرا آن گونه که آقای رئیس جمهور می خواست پیش نرفت.

بدون شک این اعتراضات که خیابانهای این کشور سرمایه داری را به لرزه در آورد، یک زورآزمایی مهم در جنبش کارگری فرانسه نیز به شمار می آید که با قوانین ضد کارگری آقای ماکرون در تضاد است و می خواهد و ←

برانگیخته است. ماکرون این را هم گفته که قصد دارد در راستای اجرای همین اصلاحات ۱۲۰ هزار نفر از کارمندان بخش عمومی فرانسه را یا اخراج کند یا، حقوق آنها را کاهش داده و مزایای اشتغال در حوزه عمومی را نیز تغییر دهد..

روز سه شنبه نیز ۹ اتحادیه کارگری بخش عمومی فرانسه از کارگران خواسته بودند که به مدت یک روز دست به اعتصاب بزنند. شرایط بد کاری، کاهش قدرت خرید و حذف ۱۲۰ هزار فرصت شغلی در ۵ سال و در مجموع اعتراض به لایحه اصلاحی قانون کار که به امضای امانوئل ماکرون رسیده از جمله دلایل برپایی این اعتصاب سراسری عنوان شده که در ۱۳۰ شهر جریان داشت.

بر همین اساس دیروز حدود ۵/۵ میلیون کارمند و حقوق بگیر دولتی در فرانسه به ویژه کارمندان بخش های مهم و استراتژیک از جمله فرودگاه ها، راه آهن، مترو، مدارس و دیگر بخش های آموزشی بزرگترین اعتصاب سراسری خود در ۱۰ سال گذشته را برگزار کردند. حدود ۳۰ درصد از پروازهای داخلی فرانسه لغو شد. همزمان تظاهرات بزرگی نیز روز سه شنبه در

این کشور از پانزده نشسته و مدام در حرکت هستند برای عقب نشینی سیاست ضد کارگری امانوئل ماکرون. شهروندان فرانسوی را می توان انقلابی ترین شهروندان در میان کشورهای اروپایی دانست. آنها که تجربه انقلاب بزرگ فرانسه را دارند و با برپایی این انقلاب، دنیا را در آستانه مرزهای جدیدی قرار دادند، از ۱۸۴۸ تا به امروز در حوزه تاسیس نهادهای کارگری فعال هستند.

این روزها فرانسه تحت فرمان ماکرون روزهای سختی را تجربه میکند. معترضان خاموش نمی نشینند و به خیابانها می ریزند و فراخوان اعتصاب و اعتراضات عمومی میدهند، به صورتیکه همه این حرکتها دارو دسته ماکرون را به وحشت انداخته است. همه چیز شبیه یک انقلاب است. انقلابی که سالها پیش می بایست تاریخ این کشور را رقم بزند.

ماکرون می گوید با اصلاح قوانین بازار کار و سیاست های ریاضتی به دنبال مقابله با نرخ بیکاری ۶ درصدی فرانسه است. نرخ بیکاری فرانسه تقریباً دو برابر بیشتر از آلمان و انگلیس است. در قانون کار جدید، اختیارات بیشتری به کارفرمایان داده شده و همین مسئله خشم اتحادیه های کارگری را

کارکنان بخش عمومی فرانسه روز سه شنبه ۱۸ مهر (۱۰ اکتبر) در اعتراض به برنامه رئیس جمهوری برای عدم افزایش حقوق و کاهش شمار شاغلان این بخش دست از کار کشیدند و علیه این برنامه دست به تظاهرات زدند.

۵ میلیون کارگر فرانسوی در ۱۵۰ شهر دست از کار کشیدند. امانوئل ماکرون رئیس جمهور تازه کار و جوان گسترده ای را در قوانین بازار کار و اشتغال به اجرا گذاشته که این مسئله با مخالفت و اعتراض گسترده کارگران و اتحادیه های کارگری این کشور روبرو شده است. ماه گذشته میلادی نیز هزاران کارگر در بیش از ۱۳۰ شهر این کشور به خیابانها ریختند و قدرت خود را به رخ رئیس جمهور جوان این کشور کشیدند و ماکرون را با اولین چالش جدی دوران ریاست جمهوری خود روبرو کردند.

همزمان با انتخاب ماکرون به عنوان رئیس جمهور کشور فرانسه دور تازه ای از تهاجمها به طبقه کارگر آغاز گردید. در این میان کارگران و شهروندان

### چرا رژیم اسلامی...

همه این را می دانیم که این رژیم جانی که زور و قدرت سرکوب دارد و پاسخ هر اعتراضی را با باتوم و تفنگ و مزدورانش می دهد باید با زور انداخت و سرنگونش کرد. از اینرو در کنار مبارزه سیاسی و اجتماعی و همه گیر بخشی از فعالین و رهبران لازم است در فکر اسلحه و سازمان میلیس مسلح توده ای سوسیالیست و آزادیخواه، نه قومی و اسلامی، نیز باشند و در شرایطی که بدون تردید در روند سرنگونی رژیم با آن روبرو خواهیم شد، ناچار خواهیم گردید پاسخ آدمکشان مسلح رژیم را با قدرت سازمان یافته مسلحانه نیز جواب بدهیم.

از همه می خواهیم که این را از ذهن خود شان برای همیشه پاک کنند که گویا این رژیم قابل اصلاح و قابل تغییر و رام کردن است. به هیچ وجه نیست! تنها راه حل سرنگونی کلیت رژیم سرمایه داران اسلامی است. حزب سوسیالیست انقلابی باتمام قدرت همراه شما است برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت کارگری و تحقق یک جامعه آزاد و برابر و مرفه. به امید آن روز!

## زنان و جوانان انقلابی به حزب پیوندید



## وقتی کارگران خیابانهای...

در نظر دارد دولت ضد کارگری ماکرون را به عقب براند و همچنین می تواند نشان دهد که آیا این بخش از کارگران می توانند و توانایی آن را دارند که بخشهای دیگری از طبقه کارگر فرانسه را با خود همراه کنند و از پراکندگی آن بکاهد.

طبقه کارگر فرانسه در دو دهه گذشته نشان داده است که هجومهای دولت حاکم و سرمایه داران را به منافع طبقاتی اش را با اعتصابات میلیونی پاسخ می دهد. اکنون طبقه کارگر فرانسه در شرایط سختی قرار گرفته است. اگر بتواند بر پراکندگی خود غلبه کند و اعتراضات خود را گسترش دهد، بی شک اعتصابات اخیر و هم مبارزاتشان در آینده میتواند تمام چرخهای حرکت جامعه را متوقف کند و خواست و مطالبات خود را به پیروزی رساند.

تا به امروز این چهارمین و بزرگترین اعتصابی است که طی ماههای گذشته در فرانسه و در اعتراض به سیاستهای دولت این کشور شکل می گیرد. اعتصاباتهای گذشته موفقیت زیادی را در تحت فشار قرار دادن مقامات فرانسوی نداشته است چرا که پیشتر، دیگر اتحادیههای کارگری از آنها حمایت نکردند و تقریباً به صورت پراکنده بودند. محبوبیت ماکرون در چند ماه گذشته در فرانسه به ۳۰ درصد کاهش یافته اما وی همچنان بر اجرای سیاستهای اشتغال خود پافشاری می کند.

بی شک آینده نشان خواهد داد که ماکرون و دولت حامیش نمی تواند در برابر زورآزمایی طبقه کارگر فرانسه دوام بیاورند و این کارگران هستند که با مبارزه خود و اتحاد خود آنها را به سجده در خواهند آورد.



## اعتراض کارگران فرانسه به مصوبات "ضدکارگری" |

### اعتصاب و تظاهرات کارکنان دولت فرانسه در اعتراض به سیاست ریاضتی دولت ماکرون رئیس جمهور ثروتمندان

اعتصاب و تظاهرات کارکنان دولت فرانسه در اعتراض به سیاست ریاضتی دولت ماکرون رئیس جمهور ثروتمندان

اخبار و گزارشات کارگری - 18 مه 1396: امروز سه شنبه 10 اکتبر، فرانسه شاهد اعتراض هزاران نفر از کارکنان دولت نسبت به سیاست های ریاضتی دولت ماکرون رئیس جمهور ثروتمندان بود. بدنبال فراخوان 10 سندیکای فرانسوی\* (9 سندیکای حقوق بگیران و یک سندیکای دانشجویی) برای اولین بار پس از 10 سال، امروز 10 اکتبر هزاران نفر از کارکنان دولت در اعتصاب و تظاهرات خیابانی سراسری شرکت کردند و اعتراضاتشان را نسبت به حذف 120000 پست شغلی طی 5 سال آینده، عدم افزایش حقوق و حتی بروز نکردنش متناسب با افزایش نرخ تورم، افزایش شارژ سوسیال و عدم باز پرداخت حق اولین روز مرخصی درمانی و...، بنمایش گذاشتند.

به گزارش سندیکای ت.ژ.ت، امروز 400 هزار نفر در شهرهای مختلف فرانسه در تظاهرات خیابانی شرکت کردند. بنابه گزارش همین منبع فقط در خیابان های پاریس 45 هزار نفر دست به تظاهرات زدند. کارکنان مدارس، بیمارستان ها، دفاتر پست، حمل و نقل زمینی و هوایی و... در اعتصاب امروز شرکت کردند.

روز گذشته 9 اکتبر نشست مشترکی بین سندیکاهای فرانسوی:

(CGT, CFDT, FO, CFTC, FSU, Unsa, Solidaires, Unef, UNL et FIDL)

جهت سازمان دادن اقدام مشترک در اعتراض نسبت به سیاست های ریاضتی دولت ماکرون رئیس جمهور ثروتمندان از جمله نسبت به کاهش حق مسکن، افزایش شارژ سوسیال، اصلاحات درباره کارآموزی و کارآموزان، اصلاحات درباره باز نشستگان و... برگزار شد که متأسفانه مابه ازای عملی نداشت و قرار شد 24 اکتبر دوباره نشست مشترکی در همین رابطه برپا شود.

اما تا آن تاریخ سندیکای ت.ژ.ت فراخوانی برای اعتراض نسبت به لایحه قانون کار ضدکارگری ماکرون بتاريخ پنج شنبه 19 اکتبر صادر کرد.

\*Solidaires ;

Force ouvrière (FO) ;

Fédération autonome (FA) ;

Fédération syndicale unitaire (FSU) ;

Confédération générale du travail (CGT) ;

Union nationale des étudiants de France (Unef) ;

Union nationale des syndicats autonomes (Unsa) ;

Confédération française démocratique du travail (CFDT) ;

Confédération française des travailleurs chrétiens (CFTC) ;

une première depuis 10 ans - pour protester contre les projets du gouvernement (suppression de 120 000 postes en cinq ans, rémunérations gelées, jour de caren

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری

## بده بستانهای توهم و تفکر دینی و خسارتهای ناشی از آن

سهراب کرماشانی

درقبال تولد وزیستن جهاد و شهادت و زجرکشیدن را تجربه میکنیم، دنیا را محل آزمایش و محک زدن برای رسیدن به جهان آخرت و زندگی ابدی که آن هم به نوبه خود داستانی طول و درازو بی سر و ته دارد تحلیل و تفسیر نموده اند.

به اینصورت که انسان اگر بتواند اعمال و رفتارش برطبق اصول دین و رضامندی صاحبان آن باشد بهشت جاودان و زندگی ابدی که پراز سبزه و دارو درخت نعمتهای فراوان از جمله حوریهای زیبا میباشد و عده داده اند، باخواندن نماز و عبادت معجزه های عجیب و غریب رخ میدهد. رزق و روزیتان زیاد میشود نا خودآگاه صبورو متواضع میشود و اجرو پاداش شما هم دراین جهان وهم در آخرت بیشتر میشود.

پرداختن به شخصیتها و استوره سازی موجب خودکم بینی و حقیر شمردن و احساس ناتوانی در مقابل آنچه که خود ساخته ایم میگردد. خراج دادن و بستن مالیاتهای دینی همانند خمس و زکات و فطره برای رسیدن به آمال و آرزوها روزبه روز انسان را خوارتر و سستتره حکام مذهبی و روحانیون را بیشتر و بیشتر کرده و باعث عقب ماندگی و تضعیف جامعه شده.

تاسیس اماکن مذهبی از جمله معابد مساجد و زیارتگاهها و تقدس بخشیدن به آنها سبب شد هم حاکمیت قدرتمندتر شود هم اینکه پایگاهی شود در جهت گردآوری اجتماعات و نفوذ

بیشتر دین برای مشروعیت بخشیدن به آن، لذا ما امروز با حاکمیتی درگیر هستیم که از لحاظ اقتصادی تا دندان مسلح و پر درآمدترین دولت دنیا از نظر سرانه مالیات است.

خانواده هایی که برای رسیدن به اهداف و آرزوهایشان نذرونزورات خود را برحسب اعتقادات دینی به باد میدهند روزبه روز عقب مانده تر و افسرده تر میشوند. این درحالیست که نه تنها تفکر آیینی را به فرزندان خود منتقل میکنند و باعث رشد توهم بی حد و اندازه آنان میشوند بلکه از طرفی خسارتهای ناشی از شکست آنان را شکننده تر و محروم از هر آنچه که در دنیای مادیات است میکند.

سوگند خوردن یکی از پست ترین و زشت ترین آموزهای دینیست که اعتیاد به آن موجب از دست دادن اعتماد و باور بین افراد میشود. قسم خوردن و تاکید بر آن برای منصوب شدن مقامات در راستای بدست گرفتن قدرت یکی از شنیع ترین ترندهایی بوده که تا بحال مدیران ارشد حکومتی از وکلای مردم گرفته تا قوه قضاییه و حتی ریاست جمهوری در طول چهل سال با این حيله تنگین سر مردم را شیره مالیده و سایه سنگین شوم خود را بر سر این آب و خاک گسترانیده اند.

پرداختن به مراسمات مذهبی از جمله ایام محرم و عاشورا خود یکی دیگر از ابزارهایست در راستای رسیدن به اهداف استمرار و دوام بخشیدن به حکومت دیکتاتوری، مظلوم نمایی داستان عاشورا در مقابل تصویر کشیدن شجاعت حسین و یارانش بخشی از مردم را سردر گم کرده. از طرفی میگویند که حسین خود میدانسته برای شهادت میرود.

اگر چنین است چرا طفل شش ماه خود را به میدان جنگ می برد تا او را بکشند، این ماجرا خود نشان دهنده چیست؟

آیا وقت آن نرسیده که با کمی تفکر و تعقل به میدان مبارزه با جهل و نادانی برویم و از خواب غفلت بیدار شویم؟

آیا چهل سال ظلم و ستم کشت و کشتار و فساد جمهوری اسلامی برابری نمیکند با هزار و چهار صد سال تبلیغ و ترویج دین جهل و جهالت؟

زنده باد کارگر

نابود باد جمهوری اسلامی تحمیلی

زنده باد حزب سوسیالیست

انقلابی ایران

### عقب ماندگی کشورهای... ←

که دلایل آنها اکثرا به دلیل نبود آزادیها و نبود برابری قانونی و اجتماعی، عدم توجه خانواده، بی پولی، ازدواجهای اجباری، تعرض جنسی، پذیرفته نشدن در رشته ی مورد علاقه و... بوده است. در ایران ۶ رشته دانشگاهی موجود است که زنان حق شرکت در آن را ندارند. و هزاران مشکل دیگر که زن را از حق برخورداری از حقوق برابر شهروندی و انسانیت محروم کرده اند. این است چهره واقعی نظام دیکتاتوری قرون وسطی فقیه سالاری و ضد زن و ضد آزادی و ضد سوسیالیست در ایران.

### باز تولید و تشدید نابرابری های اجتماعی در نظام آموزشی ایران

بر اساس مطالعه ای که در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است، بیش از ۷۰ درصد دانشجویان مشهدی این دانشگاه در دوره روزانه-رایگان، دوره دبیرستان را در مدارس غیرانتفاعی گذرانده اند و از کلاس های خصوصی و عمومی برای آمادگی کنکور بهره برده اند.

بر اساس مطالعه ای که در یک نمونه ۶۰۰۰ نفری از فارغ التحصیلان سال های اخیر دانشگاه های دولتی شهر تهران انجام شده است، حدود ۶۵ درصد نمونه جزو سه دهک پردرآمد جامعه بوده اند که اکثر آنها دوره دبیرستان را در مدارس غیرانتفاعی گذرانده اند. نرخ اشتغال آنها پس از فارغ التحصیلی حدود ۴ برابر سایر فارغ التحصیلان بوده و به فرصت های شغلی پردرآمدتری دسترسی یافته اند.

به تعبیر مایکل والزر (فیلسوف آمریکایی)، فقدان زردهای نمادین دولتی موجب شده است تا افراد دارای ثروت بیشتر بر سایر مواهب اجتماعی نظیر آموزش و اشتغال «سلطه» یابند.

بهرغم این وضعیت، تمام سیاست های دولت از یکسو معطوف به کالایی کردن هر چه بیشتر آموزش عالی است تا جایی که امروزه تنها ۱۶ درصد دانشجویان در دوره های روزانه-رایگان مشغول به تحصیل اند، و از سوی دیگر خصوصی سازی هر چه بیشتر آموزش عمومی را پیگیری می کند (در سال جاری تحصیلی اعلام شد حدود ۱۷ درصد دانش آموزان در مدارس غیرانتفاعی ثبت نام کرده اند).

در حالی که مجموع بودجه آموزش (اعم از آموزش عمومی و آموزش عالی) حدود ۱۰ درصد بودجه عمومی دولت ایران را تشکیل می دهد، عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶ حدود ۲۳ درصد بودجه عمومی خود را به حوزه آموزش اختصاص داده است.

omidi\_reza@

**کارگران! حزب سوسیالیست انقلابی حزب شما است، به آن پیوندید!**

## عقب ماندگی کشورهای جهان سومی و مسئله زن

تینا خلیفه ای



تأثیر پذیرترین عامل برای دمه شدن و پوسیدگی ذهنی یک جامعه، جهت دادن به ذهن افراد ساکن در آن جامعه از بدو تولد تا زمانیکه که فرد باوری مستقل از خود سراغ ندارد.

فرد از نظر روانشناختی از پی محیط او افراد مرتبط با او موجهای ذهنی و راه های انفراد و انتقال ذهن را در شخصیت چند گانه و مجهول که دنبال یک تثبیت برای موقعیت و شناخت شخصیت و وجود خود از اطراف گرفته و به سیستمهای پردازشگر میقبولاند که برای خوب بودن یا پذیرفته شدن باید مانند آن چیزی باشد که آنها (دولت، فرهنگ حاکم و خانواده و جامعه) به او تکلیف کرده و سرمشقش را نیز میخواهند. و اگر فرد خواهان یا دوست دار پذیرش آن نباشد از راس های سه گانه اول زندگی (خانواده، جامعه و دوستان) تا زمانی که شخصیت به صورت اثبات دینی-مذهبی شکل میگیرد (سنین ۵-۱۸ سال) ترد شده و جایگاه خوب و دلخواهی در میان آنها ندارد و دچار افسردگی و عدم تحلیل و تشخیص خواسته و نقوض آراییی درون خود میشود.

فرد سرگردان که قادر به شناخت قالب شخصیتی خود نیست نمیتواند به رویکردها و اتفاقات و موفقیت های زندگی خود جامه عمل بپوشاند. از ناکامگی رنج میبرد. و بعد از مدتی فرد پی میبرد که ریشه ی مشکل کجاست. اما گذشت زمان و الایش و سرکوب که فرد خواسته یا ناخواسته گریبانگیر آن میشود فرصتی برای جبران و غلبه بر مشکلات نمیدهد. پس فرد دو دنیای تقسیمی خود را در دهه ی ۲-۳ زندگی خود

از دست میدهد، (تضاد خود واقعی و خود ایده ال) نه دیگر راهی برای پیشرفت او میماند نه انرژی تغییر را دارد، پس رشدی که در او حاصل نشده باعث ۴ رویکرد شخصیتی و روانی میشود ۱- از دست دادن انگیزه تلاش ۲- کاهش کارایی دستگاه عصبی-ایمنی ۳- ناکام شدن در یک فعالیت بیرونی ۴- احساس ناتوانی در کنترل کردن رویدادهای زندگی.

فرد صفات مشترک انتقالی و پیش زمینه ای دارد اما صفات منحصر به فرد او در قعر وجود او غیر فعال شده و همزمان با این رخداد صفات توانشی خلقی و پوششی فرد نیز رشد چندانی نمیکند، پس فرد یا دچار افسردگی شده به دلیل دیدن صفات سطحی و نادیده گرفتن صفات عمقی یعنی برداشت او از شخصیت خود تماماً تابعیتی و بخشی از وراثت رفتاری را به یاد بیاورد و فرد به صورت موقت یا دائم دچار رنجورخویی یا پریش خوبی میشود. و طبیعتاً فرد به جای انگیزش کاری فکری برای ساخت جامعه ای نوین و سالم از زندگی و خط درست و منطقی آن دور شده و به سو مصرف های جسمی و ذهنی (الکل مواد روابط مازوخیستی خود آزاری دیگران زاری، ...) روی میآورد و طبعاً یک مهره ی پازتیو و اکتیو برای جامعه نیست و اتوگرافی کلی سیستمی یک جامعه را ضعیف میکند.

اجازه دهید افراد ساخته ی خودشان باشند نه مجسمه ی کوکی دست سهیم داران و علم داران دینی و یا حتی رسوم خانوادگی. شخصیت و منبیت اصلی یک شخص ارزشمند تر از یک رباط (ارزش نسبی) بی باور دست شماست.

در چنین جوامعی زن قربانیان

شماره اول دست مناسبات و سیستمی است که در خاورمیانه و کشورهای اسلامزده و مرد سالار و مستبد جاری است. و اینگونه است که جهان سومی ها تشکیل معدن میدهند نه جامعه که منشا آن از آموزش همرا با فشار و وراثت گری و نسل پرستی میباشد که نه در

مدارس و نه در خانه ها هیچ وقت به فرد یاد داده نمیشود که حق انتخاب دارد یا حتی حق فکر کردن او انتخاب میشود و هورمونی تزریقی حاصل از دین فشرده شده فرهنگ ها و رسوم خانوادگی طرز تعیین سطح او در مقاصد دینی و مذهبی و سطح آگاهی و دید فرد که تا نوک بینی و مرز خواسته شده ی افراد مدرس جامعه کنترل میشود و او را از خوب بودن که به خیال او خوب است باز میدارد و به سمت بد بودن سوق میدهد و مقصر اصلی را نیز ضعف نفسی فرد و شیطان رجبم میداند و دیگر هیچ.

یکی از مهم ترین و اساسی ترین عامل عقب افتادگی اجازه ندادن به زنان و توهین و تشر تعرضی به محدوده ی ذهنی و جسمی آنها در نظام های جهان سومی مانند جمهوری اسلامی ایران، عربستان، افغانستان... که حرمت و هریم اصلی زن را از او گرفته اند و توانایی و استعداد آن ها را پیچیده اند در عمق وجودشان که خدایی نکرده نتوانند حرفی برای گفتن داشته باشند. چند نمونه از خشونت و نا برابری بر علیه زنان در سال ۱۳۹۵ در سرتاسر کشور به ۹۰۴ زن تعرض جنسی شد ولی فقط ۱۱ شکایت موجود است از ۹۰۴ نفر ۵۰۰ نفر افراد زیر سن قانونی (۱۸) سال بوده اند. ۱۶ هزار کودک کار (دختر) در سراسر ایران موجود است که هیچگونه اقدامی برای مکان غذا یا تحصیل آنها نشده است. که اکثر

خوراک جنسی یا برده ی فروشی هستند که خانواده یا افراد سرپرست آنها به دلیل بی پولی آنها را میفروشد.

حق پوشش، چگونگی رفتار و حرف زدن، تصاویرهای فضای مجازی فرد، آرایش مورد علاقه، آزادی در ازدواج و طلاق و سفر و تفریح و استقلال فردی حقوق و پایه ی این کارها از زنان و دختران جهان سومی گرفته شده و به دست دولت، پدر، پسر برادر، شوهر و ... داده شده است که زنان و دختران توانای انتخاب را از خویششان نداشته باشند. در کابین های دولتی و عرصه های خارجی و امور رهبری زنان رنگ و بوی کم پیشکش، اصلاً هیچ رنگ و بو و صدایی ندارند برای شناساندن زن. این حق به آنها داده نمیشود کسی هم که اعتراض کند مانند دختران حزب پیکار و معترضان سال ۸۸ و هزاران دخترانی که در پی اعتراض مورد تجاوز قرار گرفته و بعد اعدام شدند. همانطوری که در دوران ما قبل ما نیز در زندانهای جمهوری اسلامی در دهه شصت هزاران دختر کم و سن سال باکره را طبق فرهنگ اسلام مورد تجاوز قرار میدادند و بعد روانه چوبه های دار میکردند. و یا مادرانی که بچه های خود را داخل زندان به دنیا آورده و هیچگاه بزرگ شدن آنها را ندیده اند.

هشت هزار از خودکشی های سالانه ایران را دختران و زنان زیر ۵۰ سال تشکیل میدهند. که

ادامه در صفحه ۱۰

زنده باد مبارزه رادیکال، سوسیالیستی و ضد مذهبی فرهنگیان!

**نشریه شنبه ها****منتشر میشود**

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

**موازین انتشار****مقالات در نشریه****سوسیالیسم امروز:**

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!  
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.  
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.

حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

[S\\_zijji@yahoo.se](mailto:S_zijji@yahoo.se)

**به ما کمک مالی کنید**

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN  
SEB BANK  
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلام کمک فوری خواهد کرد.



درخواست عضویت از حزب

**فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران**

نام :

نام خانوادگی :

محل سکونت :

شغل :

علل پیوستن به حزب :

سابقه فعالیت سیاسی :

در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟

آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟

تلفن :

ای میل :

اینجانب ..... با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظم به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.  
امضا...  
تاریخ...

[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

آدرس مایل ارسال  
درخواست عضویت

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)



[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)



۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۱۲۳۴۹۶۸۳

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان برشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیش ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میدانی شهرها و محلات بخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

**زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!**

**اخراج و بیکارسازی موقوف!**